

# جشن نوروز

بقلم آقای ذبیح‌الله صفا

۱

جشن نوروز یا « جشن فروردین » یا « بهار جشن »<sup>۱</sup> جشنی است که از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین شروع شده و تا مدتی دوام داشت و دارد. این عید از بزرگترین اعیاد ملی ایرانیان و نماینده قریحه شاداب این ملت کهن سال است و در میان اعیاد سایر ملل نظیر آنرا کمتر میتوان یافت. این جشن را بر تری بر سایر اعیاد از آن جهت است که در هنگام جوانی جهان برپای میشود. یعنی مبشر نوشدن زمان و بیابان رسیدن عمر زمستان میباشد و بقول ابوریحان پیشانی سال نو است.

در باب علت پیدایش نوروز عقیده ای صریح نمی توان اظهار کرد چه این امر بسیار قدیمی است. با این حال برخی امور را می توان بحسب سبب ایجاد جشن نوروز دانست و آنها عبارتند از:

۱ - موقع طبیعی نوروز که مانند مهرگان در اول یکی از قسمت های دوگانه سال

یعنی هم Hama (تابستان) واقع شده و برای پیدایش يك جشن مای بسیار متناسب است.<sup>۲</sup>

۲ - تا حدی که اطلاع داریم اول ماه و اول سال در نزد ایرانیان مقدس بوده ۳ و در نتیجه اتفاق دو روز مقدس عیدی پدید آمد که موقع طبیعیش آنرا تا مدتی از ایام دوام داده است. و بعدها در اثر ظهور مذهب زرتشت وقتل شدن اهمیت برای روز هرمزد از همراه این علت تقویت یافت و نیز چنانکه بعد خواهیم دید اهمیت روز ششم یعنی خرداد روز از فروردین ماه خود باعث قوت امور مزبور شده و سبب امتداد این جشن تا چند روز گردیده است.

۳ - بعضی از متبعین علت پیدایش جشن نوروز را یکی از آموزمذهبی دانسته و گفته اند

---

۱ - ابوالفرج رونی این هر دو اسم را در اشعار خود آورده است:

جشن فرخنده فروردینست  
روز بازار گل و نسرين است

و در قصیده ای دیگر میگوید:

بهار سال غلام بهار جشن ملک  
که هم بطبع غلام است و هم بطوع غلام

۲ - برای اطلاع از کیفیت تقسیم سال در ایران قدیم رجوع شود به شماره هشتم مجله

مهر سال اول ص ۶۳۲

۳ - اول هر ماه در نزد زردشتیان بنام خداوند (اهورمزد) موسوم و از این جهت بسیار محترم بوده است و جشنی مذهبی بشمار می آید. اول هر سال نیز بدیهی است که علاوه بر مقام جداگانه خود چون مصادف با روز هرمزد میشود بسیار محترم بود. بعد از غایب اسلام نیز اول سال و اول هر ماه را همچنان احترامی در نزد ایرانیان مسلمان بوده است و منوجهری میگوید (اهورمزد است و خجسته سر سال و سر ماه) و هنوز هم اول هر ماه را در نزد ما احترامی است و عقایدی راجع به آن در میان عامه انتشار داد.

۴ - از آن جمله است دکتر کایگر آلمانی. رجوع شود به صفحات ۵-۴ از شماره ۶-۵

مجله کلاه دوره قدیم.

که : بنا بر عقیده مذهبی زرتشتیان ماه فروردین و جشن فروردین متعلق بفرورد های مقدس است ۱ و اینان در اول سالها بزمین و اماکن اولیه خود فرود می آیند و ازین جهت مردم برای خشنودی ارواح نیاکان و گذشتگان خود برای این ایام تشریقاتی قائل میشده اند که رفته رفته صورت جشنی مذهبی بدان داده است و ازینروی این جشن بسیار شبیه بعیدهاموات میباشد . بدین ترتیب این عده معتقدند که نوروز در اصل جشن مردگان بوده و بعد از صورت اصلی خود برگشته و بشکل جشنی ملی درآمده است . ولی این عقیده صحیح بنظر نمی آید . چه ایام فروردگان که درده روز آخرسال یعنی پنجروز خمره مسترقه باضافه پنج روز آخر اسفند قرار دارد مخصوص نزول فروشی ها بوده و در نزد ایرانیان حکم عیداموات رداشته است ۱ و بنا بر این نمیتوان برخلاف تمام نویسندگان و محققان پیشین و بدون هیچ دلیل جشن مردگان را از فروردگان عدول داد و در جزء ایام فروردین بشمار آورد .

ع - علل داستانی که داستان سرایان و یا مورخینی که از آنان پیروی کرده اند اظهار مینمایند وما نمونه ای ازهریک از آنها را ذیلا نقل میکنیم :

حسین بن عمروالرستمی که از قواد مأمون بود از مؤبدان موبد خراسان سبب پیدایش نوروز و مهرگان را پرسید و او علت ایجاد نوروز را چنین شرح داد که در بطیحه ۲ و بائی

۱ - فروشی Fravachi (اوستائی) - فرورتی (هخامنشی) فروهر Faravahar و فرورت (پهلوی) فرورد و فروهر «Farauer» و فرهر که آنرا «پرورانده» و «ملك غازی» معنی کرده اند بعقیده زرتشتیان و بنا بر آنچه که در بوندهش آمده است یکی ازقوای پنجگانه انسانی است و با انسان و قبل از موجود میباشد و تنها چیزی است که از وی باقی میماند و روح ازتن جدا نمیشود مگر برای برگشتن و اتصال بدو . فروشی های نیکوکاران همیشه مثل يك وجود واحد در فروردین یشت بنام اش انام فروشیو Ashaonam Fravashayo یعنی (فروشی های نیکوکاران) آمده و کم کم اسماء خاصی نیز از آن مشتق شده است . بعقیده زرتشتیان فروشی ها درده روز آخر سال بزمین و با ماکن اولیه خویش فرود می آیند . برای اطلاع کامل از فروشی رجوع شود به صفحات ۵۰۰-۵۰۲ ج ۲ زند اوستا - دارمستتر ۲. P.500-502 Darmesteter, Zand-Avesta V.2. و نیز رجوع شود به ج ۱ یشتها آقای یور داود .

۲ - جشن فروردگان که گویا بدو قسمت فروردگان اول ( ۵ روز آخر اسفند) و فروردگان ثانی ( ۵ روز خمره مسترقه ) تقسیم شده است عید مخصوص بنزول فروشی های نیکوکاران است بر روی زمین و مساکن اصلی خودشان و این عید مصادف با ششمین گاهنبار یعنی همسپتمیدی Hamaspathmaedaya ( همسپتمیدیم ) میشود . در این ده روز بافتنخار مردگان جشنی برپا میشده که بسیار اهمیت داشته است و چنانکه مناندر Ménandre ذکر کرده است خسرو اول اوشیروان در سال ۵۸۵ میلادی سفیر ژوستن Justin امپراطور روم را در مدت ده روزی که مشغول انجام وظایف جشن فروردگان بود بخدمت نپذیرفت . این جشن در نزد یونانیان بجشن مردگان موسوم بوده است . بعضی محل فروردگان را در آخر ایابان و خمره مسترقه که در اواخر عهد ساسانی و قرون اسلامی بدان ملحق میشده است دانسته اند و این خود جهانی دارد که در اینجا از ذکر آنها صرف نظر میشود . رجوع شود به آثار الباقیه ص ۲۲۴ - ۲۲۵ و زند اوستا دارمستتر

پدیدار گشت و ساکنین آن ناچار فرار اختیار کردند ولی مرگ بر ایشان مستولی شد و همگی بمردند، و چون اولین روز فروردین فرا رسید خداوند بارانی بر ایشان ببارید و آنانرا زنده کرد و ایشان بمساکن خود باز گشتند. پس پادشاه این زمان گفت که «این نوروز است» یعنی روز جدیدی میباشد و در نتیجه این روز بدان نامیده شد و مردم آنرا مبارک شمرده عید گرفتند و برخی دیگر نوشته اند که در اثر محاسباتی که در زمان کیومرث شد معلوم گردید که فروردین در هر سال چند ساعت از موقع اصلی خود عقب افتاده و در ظرف ۱۴۶۱ سال باز بدان محل که نقطه اعتدال ربیعی باشد باز میگردد. از موقعی که کیومرث حساب سال شمسی را پیدا کرد تا چهارصد و بیست و یکمین سال سلطنت جمشید، دور یک هزار و چهارصد و شصت و یک ساله مزبور بآخر رسید و فروردین بمحل اول برگشت و چون جمشید آن روز را در بافت جشن ساخت و نوروزش نام نهاد و مردمان را بفرمود که هر سال چون فروردین نشود آن روز جشن کنند و آنرا روز نو دانند و نیز میگویند اول کسی که نوروز را بوجود آورد . . . . . کیاخسر و بن پرویز جهان است \* اصل در نوروز این بود که او در این روز بر دنیا پادشاه شد و اقالیم ایران شهر (مملکت ایران) را آبادان گردانید و برخی گفته اند که جمشید در بلاد مملکت طواف میکرد چون خواست باذریابجان داخل شود بر سریری از طلا بر نشست و مردم آنرا بر گردنهای خود حمل کردند و چون شعاع آفتاب بر آن بتا بید و مردمیانش پدیدند او را بزرگ داشتند و بدو شادمان شدند و این روز را عید گرفتند و نیز گفته اند که چون جمشید تختی از برای خود بساخت بر آن بر نشست و دیوان وی را در ظرف یکروز از دماوند بیابل بردند. این روز هر مز از فروردین ماه بود پس مرد میان آنرا جشن گرفتند و فرقه ای را عقیده بر اینست که در زمان طهمورث فرقه صابئه ظهور کردند و چون جمشید سلطنت رسید آنان را بر انداخت و دین قدیم را تجدید کرد. و بشکرانه این موقعیت جشن نوروز برپا شد.

۱ - معجم البلدان چاپ لایبزیك ص ۶۷۰-۶۶۹ از ج ۱

۲ - از جمشید پادشاه داستانی ایران بکرات در کتب قدیمه هندوان و پارسیان قدیم نام برده شده است و متبعین جدید او را مؤسس سلسله ای تصور می کنند که شاید دیر گاهی سلطنت کرده باشند. در کتب قدیمه اسم او را جمشاد و جم الشاذ و جمشید نگاشته اند. نام پدرش را حمزه و ابوریحان و یونجهان و برخی مانند جاحظ پرویز جهان نگاشته اند و فردوسی طهمورث را پدر جمشید دانسته است. اما اسم او در سانسکریت به Yama و در اوستا به Yima آمده و اغلب در اوستا بلبت خشات گردید. (درخشان) خوانده شده است و اندک اندک یم به «جم» و خشات به «شید» مبدل گردید. اسم پدرش در سانسکریت ویوسونت Vivasvant و در اوستا ویوانها Vivánhat و یونجهان آمده و یونجهان معرب آنست. بطور قطع و یقین جمشید از پادشاهان مشترک اقوام هند و ایرانی است و زمان او را تقریباً دوسه هزار سال قبل از میلاد حدس زده اند.

۳ - نورو نامه عمر خیام. چاپ طهران ص ۲-۹

۴ - پرویز جهان همان و یونجهان است که بظبط ضبط گردید و مراد از کیاخسر و شاید

جمشید باشد.

۵ - المحاسن والاضداد ص ۲۳۳ - چاپ مصر

۶ - آثار الباقیه طبع لایبزیك ص ۲۱۶ - شرح بیست باب

۷ - آثار الباقیه ص ۲۱۶ - کامل التواریخ ابن اثیر